

تحلیل فراگفتمان‌های تعاملی در خطبه‌های نهج‌البلاغه

زهرا حسینی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم، جهرم، ایران) (نویسنده مسئول)
رها زارعی فرد (استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه جهرم، جهرم، ایران)

صص: ۵۸-۳۳

چکیده

یکی از مباحث مطرح در بررسی متون و گفتمان‌ها چگونگی استفاده نویسنده و گوینده از فراگفتمان‌هاست. فراگفتمان، مقوله‌ای است که رابطه بین نویسنده (یا گوینده) با ادعاهایش در متن (گفتمان) و همچنین رابطه وی با مخاطب را باز نمود می‌کند. فراگفتمان‌ها انواع مختلفی دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فراگفتمان‌های تعاملی است. در این پژوهش هدف آن بوده است انواع فراگفتمان‌های تعاملی در یکی از متون تاثیرگذار اسلامی یعنی نهج‌البلاغه بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) مورد واکاوی قرار گیرد. این فراگفتمان‌ها بر اساس نوع در بافت، طبقه‌بندی شده است و علاوه بر تحلیل کیفی میزان استفاده از انواع فراگفتمان‌های تعاملی نیز به صورت کمی سنجیده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه از انواع فراگفتمان‌های تعاملی یعنی دخیل‌سازها، خوداظهاری‌ها، نگرش‌نماها، یقین‌نماها و تردیدنماها استفاده کرده است. از دخیل‌سازها به منظور ارتباط موثر با مخاطب همراه با نقش‌های خاصی همانند هشدار و توییح و سرزنش و تشویق مخاطب در مسیر هدایت استفاده مؤثری داشته‌اند. از خوداظهاری‌ها برای نفی صفات منفی از خویش و اثبات صفات متعالی خود استفاده کرده‌اند. تردیدنماها نمود بسیار کم‌رنگی در نهج‌البلاغه دارند. ایشان از یقین‌نماها که کارکردی تأکیدی دارند، گاه برای بیان استواری راه و روش خویش استفاده کرده‌اند. همچنین نگرش‌نماها که غالباً بار معنایی منفی دارد با ابزار زبانی متعددی در نهج‌البلاغه نمود دارد که غالباً نگرش حضرت علی را درباره مخاطبان خود نشان می‌دهد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، فراگفتمان‌های تعاملی، دخیل‌سازها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، خوداظهاری‌ها، تردیدنماها.

۱. مقدمه

امروزه مطالعه علمی متون مخصوصاً متون مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نهج البلاغه بعد از قرآن مجید دومین کتاب ارزشمند جهان اسلام محسوب می‌شود تا آن‌جا که درباره آن گفته شده است: «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۴). حضرت علی (ع) خود بهترین تعبیر را برای فصاحت کلام خویش به کار برده است؛ به گونه‌ای که رویشگاه کلام را در خویش می‌بیند: «انا لامراء الکلام و فینا تنشبت عروقه و علینا تهدلت غصونه» (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۳۳: ۲۶۵)؛ «ما امیران گفتاریم. سخن - به تعلیم ما - ریشه دوآینده و شاخه‌های خود را بر سر ما تنیده»

فصاحت کلام امیر مؤمنان به گونه‌ای است که حتی دشمنان ایشان نیز بر آن معترفند. شهید مطهری در کتاب حکمت‌ها و اندرزها از چگونگی توانمندی عبدالحمید در کتابت از قول وی چنین می‌گوید: «مالذی خرجک فی البلاغه» چه چیز تو را بدین بلاغت رساند؟ گفت: «حفظ کلام الاصلح» (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۲۸) در این قول عبدالحمید که از دشمنان حضرت علی (ع) است با لحنی توهین‌آمیز بیان می‌کند که دلیل توانمندی در مسأله کتابت، حفظ سخنان امیرالمؤمنین است.

فصاحت و بلاغت بلامنازع کلام امیرمؤمنان همواره باعث شده است که تحقیقات گسترده‌ای در این باره چه به شکل مستقل و چه در ضمن تحقیقات دیگر صورت گیرد. بررسی این متن شریف با رویکردهای زبان‌شناسانه گامی دیگر در جهت شناخت کلام امیر مؤمنان است. از بررسی‌های دقیقی که می‌توان از این حیث بر روی خطبه‌های نهج البلاغه انجام داد، بررسی از منظر فراگفتمان‌های تعاملی است؛ چه میزانی دقیق را برای سنجش کلام حضرت امیر مؤمنان در ارتباط با مخاطبانش به دست می‌دهد که از رهگذر آن زوایایی از متن بر روی خواننده گشوده می‌شود که تا به حال نامکشوف بوده است.

۱- عبدالحمید کاتب توانمند مروان حکم خلیفه‌ی اموی است که درباره‌ی او گفته‌اند: «بدئت الکتابه بعبد الحمید و ختمت بأبن العمید» (ثعالبی، ج ۳، ص ۱۸۳).
 ۲- اصلح کسی است که موی سر او ریخته باشد. «سقط شعر مقدم رأسه فهو أصلح» (نمازی شهرودی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۱۶).

مطالعه نهج البلاغه بر این مبنا هویت گوینده و مخاطبان و هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه اسلامی را نشان می‌دهد؛ افزون بر آن بلاغت کلام امیر مؤمنان به ویژه در علم معانی از این منظر به خوبی قابل مشاهده است؛ بنابراین در این پژوهش برآنیم تا بر اساس روش کمی و کیفی به بررسی و تحلیل انواع فراگفتمان‌های تعاملی در نهج البلاغه دست یابیم؛ برای این کار، ابتدا بر اساس متن نهج البلاغه ترجمه سیدجعفر شهیدی همه فراگفتمان‌های موجود در خطبه‌ها به دقت استخراج و طبقه‌بندی شد؛ سپس بر اساس سؤالات زیر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

- ۱- در خطبه‌های نهج البلاغه هر یک از انواع فراگفتمان‌ها دارای چه نشانگرهای زبانی هستند؟
- ۲- کدام یک از انواع فراگفتمان در کلام حضرت علی (ع) بیشتر نمود دارد؟
- ۳- آیا ارتباط معناداری بین انواع فراگفتمان‌ها و میزان استفاده از آن در خطبه‌های نهج البلاغه وجود دارد؟
- ۴- با بررسی انواع فراگفتمان در نهج البلاغه ارتباط ایشان با مخاطبان چگونه ارزیابی می‌شود؟

۲. بیان مسئله

اصطلاح «فراگفتمان» به عنوان اصطلاح عامی برای نامیدن امکانات فرازبانی است که برای تعامل در گفتمان به کار می‌رود. فراگفتمان به نویسنده یا گوینده امکان می‌دهد که نظر خود را بیان کند و همچنین با مخاطب به عنوان عضوی از یک جامعه خاص ارتباط برقرار کند. (p37 Hyland, ۲۰۰۵، و در مجموع، هدف آن هدایت مخاطبان است، نه اطلاع‌رسانی به آن‌ها. (Crismore, ۱۹۸۴، p280). کریسمور (۱۹۸۹) همچنین هدف اصلی فراگفتمان‌ها را نقش‌های بین فردی می‌داند که مربوط به اطمینان گوینده، بیان دیدگاه‌های او و همچنین مورد خطاب قرار دادن مخاطبان است. در این معنی، فراگفتمان شامل مسئله «فرایند بلاغی» نیز می‌شود. فرکلاف (۱۹۹۲) فراگفتمان‌ها را نوعی از بینامتنیت می‌داند که معمولاً نویسنده (یا گوینده) با متن خود تعامل برقرار می‌کند که شامل استفاده از «تردیدنماها» و همچنین بازنمود ایده‌های مختلف در متن می‌شود؛ البته باید توجه داشت که فرکلاف (۲۰۰۳) از اصطلاح فراگفتمان در مورد تحلیل گفتمان استفاده نکرده است. گیسلر (۱۹۹۴، p82) فراگفتمان را

این چنین تعریف می‌کند: «فراگفتمان، گفتمانی است که رابطه بین نویسنده (یا گوینده) با ادعاهایش در متن (گفتمان) و همچنین رابطه وی با مخاطب است» (1994, p11).
 برای فراگفتمان‌ها تقسیم‌بندی‌های مختلفی وجود دارد؛ افرادی چون مارانن (۲۰۰۱) و لوکا (۱۹۹۴) فراگفتمان‌ها را در سه گروه مورد بررسی قرار داده‌اند که در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱ - زیرگروه‌های فراگفتمان طبق دیدگاه مارانن (۲۰۰۱) و لوکا (۱۹۹۴)

زیرگروه‌های فراگفتمان (Mauranen, 2001)	زیرگروه‌های فراگفتمان (Luukka, 1994)
تک‌گویی (سازمان‌دهی صحبت خود گوینده)	متنی (توسط گوینده برای سازمان‌دهی گفتمان استفاده می‌شود)
مکالمه‌ای (ارجاع و جواب‌گویی به صحبت‌های شرکت‌کنندگان در بحث)	بین‌فردی (برای بیان نظر نسبت به محتوای گفتمان و افرادی که در آن موقعیت ارتباطی درگیر هستند، کاربرد دارد)
برهم‌کنشی (استخراج جواب از مخاطبان مانند پرسش و انتخاب سخنگویان بعدی)	بافتی (توسط گوینده یا نویسنده برای اظهار نظر در مورد موقعیت ارتباطی و خود متن به عنوان نتیجه استفاده می‌شود)

پژوهشگرانی مانند وندکاپل (۱۹۸۵) و کریسمور و دیگران (۱۹۹۳) فراگفتمان‌ها را در دو گروه متنی و بین‌فردی قرار می‌دهند و افرادی مانند هایلند (۲۰۰۵) ضمن پذیرفتن دو گروه قبل، تأکید بیشتری بر نقش بین‌فردی دارند و معتقدند که «همه فراگفتمان‌ها بین‌فردی هستند؛ زیرا که دانش گوینده یا نویسنده، تجربیات و نیازهایشان را بازتاب می‌دهند.» (2004, p157, Hyland & Tse).

فراگفتمان تعاملی جهت نشان دادن چشم‌انداز نویسنده نسبت به اطلاعات گزاره‌ای و خواننده به کار می‌رود. (Hyland, 2005, p52) و شامل انواع زیر است:

-تردیدنماها که برای سرباز زدن گوینده از تعهد کامل به معانی پاره‌گفت‌ها به کار می‌رود و بیانگر شک و تردید وی نسبت به صحت گزاره بیان‌شده است. اصطلاح تردیدنماها نخستین بار توسط لیکاف (۱۹۷۲، p195) به کار برده شد. وی در توصیف آن می‌گوید: «واژه‌هایی که

کار آن‌ها این است که مسائل را کم و بیش مبهم نشان دهند». این عبارات در مکالمات عادی روزمره نقش ارتباطی مهمی را ایفا می‌کنند. (Stubbs، ۱۹۸۶؛ Coates، ۱۹۸۷). سخنگویان هنگام ایجاد یک فضای غیررسمی و دوستانه به منظور تسهیل در گفتگو، نشان دادن ادب یا پنهان کردن نقایص اطلاعات و غیره از تردیدنماها استفاده می‌کنند. (Holmes، ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۷، Coates)

- یقین‌نماها، صورت‌های زبانی هستند که یقین و قطعیت نویسنده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهند به عبارتی دیگر، نشان‌دهنده اطمینان نویسنده و تأکید وی بر معانی پاره‌گفت‌ها است؛ به طور مثال از ابزارهای قیدی، صفتی و فعلی برای نشان دادن اطمینان استفاده می‌گردد.

- نگرش‌نماها، که بیان‌کننده دیدگاه نویسنده نسبت به معانی پاره‌گفت‌ها، بیانگر شگفتی، اجبار، موافقت، اهمیت و غیره است.

- خوداظهاری‌ها، که از طریق آن‌ها شخص با استفاده از ضمایر شخصی و ملکی در گفتمان، حضور خود را پررنگ می‌کند.

- دخیل‌سازها، که برای ارتباط نویسنده با مخاطب یا جلب توجه آن‌ها به موضوع مورد بحث یا شرکت دادن آن‌ها در گفتمان از طریق ضمایر دوم شخص، پاره‌گفت‌های امری، پرسش و غیره کاربرد دارد.

حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه با توجه به اسلوب‌های مختلف کلام، مخاطب را در فرایند تعامل وارد می‌کند و براساس شأن و موقعیت مخاطب، گفتمان خود را جهت می‌بخشد. با استمداد از کلام ایشان به روشنی می‌توان دریافت که «لکل مقام مقال» (مطلوب، ۲۰۰۰: ۶۲۷). ایشان در بخشی از سخنان خود به صراحت بیان می‌فرماید که برای هر گروهی باید سخنی درخور آن مطرح کند:

«فَلْيَكُنْ مَنْ شَهِدَ صَفِينَ فِرْقَهُ، وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهَا فِرْقَهُ حَتَّىٰ أَكَلَمَ كَلَامًا مِنْكُمْ بِكَلَامِهِ» (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۲: ۱۲۰). «پس جدا شوید آنان که در صفین بوده‌اند دسته‌ای و آنان که نبوده‌اند دسته دیگر تا با هر دسته چنان که در خور آن است سخن گویم.»

£ boosters

ه attitude markers

٦ self mentions

٧ engagement markers

جدول ۲- معادل فارسی انگاره فراگفتمان تعاملی هایلند (۲۰۰۵.p49)

نمونه	نقش	نشانه‌ها	فراگفتمان‌های تعاملی
ظاهراً / شاید / به نظر می‌رسد	از تعهد جلوگیری کرده و زمینه را برای گفتگوی باز فراهم می‌کند	تردیدنماها	
قطعاً / بی‌تردید / مبرهن است که	نشان‌دهنده اطمینان نویسنده و تأکید وی بر معانی پاره‌گفت‌ها است	یقین‌نماها	
متأسفانه / جالب توجه این‌که / خوشبختانه	بیانگر نگرش نویسنده نسبت به معانی پاره‌گفت‌ها است	نگرش‌نماها	
من / ما / بر این باوریم / معتقدم که	به طور مستقیم به نویسنده ارجاع می‌دهد	خوداظهاری‌ها	
فرض کنید / توجه کنید / ببینید	آشکارا با خواننده متن ارتباط برقرار می‌نماید	دخیل‌سازها	

در خطبه‌های نهج‌البلاغه افزون بر اهل کوفه، مخاطبانی چون خداوند، مکان، دنیا و افراد خاص نیز وجود دارد که در این پژوهش با توجه به رویکرد جامعه‌گرایانه فراگفتمان هایلند از بین مخاطبان صرفاً اهل کوفه مد نظر قرار گرفته‌است.

در نهج‌البلاغه برای برقراری ارتباط با مخاطب از ابزارهای زبانی مختلفی همچون ضمائر، فعل‌های مضارع مخاطب اعم از معلوم و مجهول و فعل امر استفاده شده‌است. خطاب‌های حضرت امیر مؤمنان در این باره بیشتر برای هشیار کردن آنان است. ایشان با شگردهای گوناگون سخنوری، سعی در بهبود عملکرد افراد جامعه خود داشته‌است. از این رو به تناسب حال و مقام سخن، رشته کلام را به گونه‌ای به دست می‌گیرد که گاه مخاطب را تشویق و ترغیب می‌کند؛ گاه آنان را از مخاطره‌ها برحذر می‌دارد و گاه عملکرد آنان را به بوتۀ نقد می‌کشد. قدر مسلم آن است که در فرایند تعامل با مخاطب، زوایایی از شخصیت و منش گوینده، دیدگاه‌ها و نگرش او درباره مسائل مختلف و میزان تردید و یقین او درباره آن چه بیان می‌کند، برای مخاطب مکشوف می‌شود. در فرایند تعامل با مخاطب، این لایه‌های زبانی را می‌توان به صورتی نظام‌مند تحت عنوان فراگفتمان پی‌گرفت؛ از آن‌جا که انگاره هایلند (۲۰۰۵)

به طور وسیعی مورد پذیرش جامعه علمی قرار گرفته و با اهداف مطالعه حاضر نیز هم‌خوانی و تناسب دارد، از این رو پژوهش حاضر در قالب این انگاره صورت می‌پذیرد.

۳. پیشینه پژوهش

فراگفتمان‌ها در متون مختلف اعم از علمی و دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. طارمی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای فراگفتمان‌های تعاملی را با توجه به متغیر جنسیت در ۳۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه بررسی کمی آن‌ها نمایانگر آن است که تفاوت معناداری در میزان فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به صورت کلی وجود دارد. زارعی‌فرد و علی‌نژاد (۲۰۱۴) با استفاده از انگاره هایلند و تس (۲۰۰۴) فراگفتمان‌های تعاملی را در مکالمات گفتاری دانشگاهی زن و مرد مورد واکاوی قرار داده‌اند. بررسی کمی آن‌ها نشان داد که زنان در اکثر موارد از فراگفتمان‌های تعاملی بیشتر از مردان استفاده می‌کنند؛ اما بررسی کیفی داده‌های تحقیق آن‌ها تأثیر بافت و قدرت ژانر را در میزان استفاده از فراگفتمان‌ها مؤثر می‌داند.

انواع نشانگرهای فراگفتمان‌های تعاملی در نگارش دانشجویان پسر و دختر رشته مهندسی شیمی و زبانشناسی کاربردی بررسی شده است. (نک کربلایی و دوایی، ۲۰۱۳ و غفوری و عقبی طلب ۲۰۱۲).

قلی فامیان و کارگر (۱۳۹۲) نیز با استفاده از الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) مقالات نقد کتاب‌های زبانشناسی ایران را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که فراوانی نگرش‌نماهای منفی از سایر متغیرهای کلامی در کل پیکره مورد تحقیقاتشان بیشتر است و استفاده از نگرش‌نماهای منفی و یقین‌نماها در نقدهای منتقدان مرد دو برابر نقدهای منتقدان زن است. خانی و چنگیزی (۱۳۹۵) نشانگرهای فراگفتمان را در مقالات مجلات انگلیسی بین‌المللی و داخلی بررسی کرده و تفاوت‌هایی را که در میزان و نحوه کاربرد نشانگرهای فراگفتمان وجود داشته واکاوی کرده‌اند.

پهلوان‌نژاد و علی‌نژاد (۱۳۹۱) نیز فراگفتمان‌ها را در ۸۰ انشای توصیفی فارسی‌زبانان و فارسی‌آموزان عرب مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی آن‌ها نشان داده است که گوناگونی انواع مختلف فراگفتمان‌ها در انشاهای توصیفی فارسی‌زبانان بیشتر است که باعث انسجام و جذابیت بیشتر نوشته‌های آنان گردیده است.

در نهج البلاغه از منظر زبان‌شناسی مطالعاتی صورت گرفته است که سهم این مطالعات اندک است؛ برای نمونه عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد (۱۳۹۴) ساختار گذرایی در خطبه ۲۷ نهج البلاغه را بر اساس فرانتش تجربی نظریه نقش‌گرا بررسی کرده است. بررسی آن‌ها نشان داده است که موضوع هر بخش از خطبه در بسامد و نوع فرایندها در آن تأثیرگذار بوده و باعث شده بود که مشارکین خاصی در فرایندها درگیر باشند. آن‌ها (۱۳۹۲) همچنین ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج البلاغه را بر اساس فرانتش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا مورد مطالعه قرار داده‌اند.

۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

نهج البلاغه از مهم‌ترین آثار دینی است که از جنبه‌های بسیاری قابل بررسی است. یکی از ویژگی‌های شگرف این متن بعد اجتماعی آن است که دیدگاه حضرت امیر مؤمنان را درباره مردم و جامعه خود به خوبی نشان داده شده است. برخی از رویکردهای زبان‌شناسی در نمایاندن هرچه بهتر این متن و دریافت دقیق‌تر آن از این حیث بسیار کارآمد است؛ زیرا با میزان دقیق ابزارهای زبانی به سنجش متن و ژرفای آن می‌پردازد. یکی از این ابزارهای زبانی فراگفتمان‌هاست. فراگفتمان‌ها و به خصوص فراگفتمان‌های تعاملی رابطه بین نویسنده و مخاطب را بیشتر نمایان می‌کند. از این رو ضروری است که با یافته‌های علمی جدید در حوزه زبان‌شناسی به مطالعه این اثر ادبی پرداخت تا با این معیار جنبه‌های بلاغی و دیگر ظرفیت‌های آن بهتر نموده شود.

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. دخیل‌سازها

۵-۱-۱- افعال

حضرت علی (ع) با نگاه موشکافانه خود دلایل انحراف مردم را از حق در آرزومندی بسیارشان و پیروی از خواسته‌های نفسانی می‌داند؛ از این رو گوش خفتگان آن عصر و همه اعصار پس از خویش را با ضرباهنگ نهی‌ها و تحذیرها هدف می‌گیرد و از قیامت و هولناکی آن در جایگاه مهم‌ترین دستاویز برای تأثیر سخنان خویش استفاده می‌کند و این‌گونه آن‌ها را موعظه می‌کند. «موعظه پشت سر خود تأسف و تأثر و خود سرزنش کردن و پرهیز از

بوالهوسی و بیهودگی و غفلت و توجه و حساس‌گیری در صرف سرمایه و عمر است» (مطهری، ۱۳۸۹، جلد ۷: ۳۸۰).

در عبارات زیر حضرت علی (ع) از فعل‌های ماضی، مضارع و امر برای شرکت دادن مخاطب در بحث و به عبارتی به عنوان دخیل‌ساز استفاده می‌کند. ایشان برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر سخنان خود از سرنوشت محتوم مرگ انسان‌های گذشته و اضطرار آنان درباره مرگ سخن می‌گوید و با اسلوب جملات پرسشی عقل خفته مخاطبان را هدف می‌گیرد و سپس از آینده حتمی آنان در فراسوی مرگ سخن می‌گوید و آنان را با رهنمودهای خویش به هشپاری فرامی‌خواند. حضرت برای هشپاری مخاطبان، آن‌ها را با خطرات پیش رو مواجه می‌کند و انذار می‌دهد. «انذار اعلام خطر است یعنی اگر آینده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشته باشد و شما از حالا به او خبر بدهید و او را بترسانید، این نوع خاص ترساندن را انذار می‌گویند» (مطهری، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴).

در رهنمودهایی از این دست حضرت علی (ع) به طور پیوسته جملات انشایی و خبری را در هم می‌تند تا تأثیرگذاری کلام را در جان مخاطبان شدت بخشد.

«أَوَلَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْقَوْمِ وَالْأَبَاءَ وَالْأَخْوَانَهُمْ وَالْأَقْرِبَاءَ؟ تَحْتَدُونَ أَمِنْتَهُمْ، وَ تَرْكَبُونَ قَدَتَّهُمْ، وَ تَطْوُونَ جَادَتَّهُمْ ... وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَجَازَكُمْ عَلَى الصَّرَاطِ، وَ مَزَالِقِ دَحْضِهِ، وَ أَهْوَالِ زَلَلِهِ، وَ تَارَاتِ أَهْوَالِهِ. فَأَتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَعَلِ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ» (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۸۳: ۶۳)؛ «مگر شما - که زنده‌اید- پسران یا پدران یا برادران و یا خویشان آن زندگان نه‌اید؟ که پا بر جای پای آنان می‌گذارید و بر کاری که کردند، سوارید و راهی را که رفتند می‌سپارید؟... و بدانید که گذر شما بر صراط است که جایگاه‌های لغزیدن است و بیم‌های این لغزش را داشتن و پیاپی ترسیدن. پس از خدا چون خردمندی بترسید که دل خود را از جز تفکر پرداخته.»

حضرت علی (ع) از جملات سؤالی در برانگیختن مخاطبان خود بسیار استفاده کرده‌است. این الگو را در بسیاری از رهنمودهای نهج‌البلاغه می‌توان دریافت که حضرت در مواضعی رفتار مخاطبان خود را نقد می‌کند؛ سپس با سؤال آنان را مخاطب قرار می‌دهد و در نهایت یا باز از نوع رفتار آنان پرده برمی‌دارد یا این‌که آنان را به صلاح و درستی دعوت می‌کند. در واقع چنین شیوه بیانی که با پرسش شروع می‌شود و به جملات خبری ختم می‌شود، باعث می‌گردد

که زبان کارکردی ارجاعی داشته باشد. در نقش ارجاعی جهت‌گیری پیام به سمت موضوع است. جملات اخباری معمولاً این نوع نقش برخوردارند. (ن.ک: صفوی، ۱۳۹۰: ۲).

در نهج‌البلاغه به ندرت کوفیان ستوده شده‌اند؛ اما در موضعی از جنگ صفین حضرت درباره دفاع آنان از حریم خود آنان را با کلمات فاخر می‌ستاید. ایشان هم مخاطبان را با القاب نیک می‌خواند؛ هم از فعل‌های مضارع برای نشان دادن عملکرد مؤثر آن‌ها استفاده کرده‌است. اگرچه بر اساس مقتضای ظاهر کلام باید فعل‌ها به صورت ماضی به کار برده می‌شد؛ ولی برای این‌که اهمیت و تأثیرگذاری این عمل را در زمان حاضر نشان دهد، از ساخت‌های مضارع استفاده می‌کند:

«تَحْوِزُكُمْ الْجُفَاءُ الطَّغَامُ، وَ أَعْرَابُ أَهْلِ الشَّامِ، وَ أَنْتُمْ لِهَامِيمِ الْعَرَبِ... وَ لَقَدْ شَفَى وَ حَاوِحَ صَدْرِي أَنْ رَأَيْتُكُمْ بِأَخْرَةِ تَحْوِزُونَهُمْ كَمَا حَاوِوَكُمْ، وَ تَزِيلُونَهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ كَمَا أزالوَكُمْ سِيدِ رَضِي، ۱۳۷۹، خطبه ۱۰۷: ۱۰۰)؛ «فرومایگان گمنام و بیابان‌نشینان از مردم شام شما را پس می‌رانند؛ حالی که شما گزیدگان عرب... هستید. سرانجام سوزش سینه‌ام فرونشست که در واپسین دم دیدم آنان را راندید؛ چنان‌که شما را راندد و از جایشان کندید؛ چنان‌که از جایتان کردند با تیرهاشان کشتید و با نیزه‌هاشان از پای درآوردید.»

در خطبه‌های نهج‌البلاغه تشویق مخاطب در جهت پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی نمود دارد و حضرت علی (ع) در رهنمودهایی از این دست با فعل‌های پی در پی امر گویی مخاطبان خود را با تمام توان به پیش می‌راند و آنان را در مسیری که باید هدایت می‌کند. اگرچه فعل‌ها به صورت امری به کار می‌رود؛ اما نکته قابل تأمل آن است که هیچ‌گونه نشانه زبانی که دال بر تأکید باشد، با این فعل‌ها همراه نیست. در واقع این از شیوه‌های صحیح اقناع مخاطب است؛ زیرا «اقناع عبارت است از یک فرایند ارتباطی که برای تغییر نگرش و در نهایت رفتار مخاطب با عدم توسل به جبر، زور، تهدید و فریب صورت می‌گیرد.» (کرم‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹)

«فَأَتَّقُوا اللَّهَ، عِبَادَ اللَّهِ وَ فَرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ، وَ أَمْضُوا فِي الْأَذَى نَهَجَهُ لَكُمْ وَ قُومُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ. فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلَجِكُمْ أَجَلًا، إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا.» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۴: ۲۴)؛ «از خدا بپرهیزید و از خدا هم به سوی خدا بگریزید. راهی را که برای شما نهاد، پیش

گیرید و پی ادای تکلیف خویش گیرید که پیروزی شما در آن است و اگر نه در این جهان، در آن جهان است و علی این پیروزی را پایندان است.»

۲-۱-۵-ضمایر

بیشترین توییخی که حضرت امیر(ع) به مخاطبان خویش روا می‌دارد، به دلیل نادانی آنان است. از رفتارهای جاهلانۀ این افراد، سستی ورزیدن آنان در جهاد کردن و راندن متجاوزان است.

در عبارات زیر تکرار ضمیر «کم» به همراه پرسش‌های کوتاه و پی در پی امیر مؤمنان که با کلمۀ «این» مکرراً صورت می‌گیرد، حکایت از آن دارد که جای نیکان قوم عرب در بین مخاطبان خالی است و در فتح نیکی‌ها، آزادی‌ها و بخشندگی‌ها میان آنان و مخاطبان فاصله‌ای ناپیمودنی است؛ آن‌گونه که امیر مؤمنان از حقارت مخاطبان خویش آنان را حتی سزاوار سرزنش هم نمی‌داند و این عبارت خود از لحاظ بار معنایی نهایت سرزنشی است که می‌توان در حق کسی روا داشت. حضرت بر خلاف مقتضای ظاهر کلام در جملات پایانی ضمایر غایب را جایگزین ضمایر مخاطب می‌کند و این از شگردهای صنعت التفات است «نزد همه فرزنانگان بلاغت، مشهور این است که التفات آوردن معنایی است به یکی از سه روش متکلم، مخاطب و غائب پس از آوردن همان معنا به یکی دیگر از سه روش یاد شده» (طیبیان، ۱۳۸۴: ۲۲۶). این شگرد بلاغی باعث می‌شود که توجه مخاطب به موضوع بیشتر جلب شود؛ از این روی در عبارات زیر چرخش ناگهانی ضمایر از مخاطب «کم» به غایب «هم» باعث می‌شود که مفهوم بی‌رغبتی متکلم در دشنام‌گویی به مخاطبان بهتر رسانده شود؛ چه گوینده مخاطب را از لحاظ ارزشی دارای وجودی حاضر نمی‌بیند که بخواهد به آنان دشنام گوید و این‌گونه، کلام بلیغ‌تر است:

«أَيْنَ خِيَارِكُمْ وَ صَلَاحَائِكُمْ؟ وَ أَيْنَ أَحْرَارِكُمْ وَ سَمَحَائِكُمْ؟ ... وَ هَلْ خَلَفْتُمْ الْآفِي حُثَالَةَ لَا تَلْتَفِي بِذَمِّهِمُ الشَّفَتَانِ، اسْتِصْغَاراً لِقَدْرِهِمْ، وَ ذَهَاباً عَن ذِكْرِهِمْ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۹: ۱۲۸)؛ «کجایند گزیدگان شما و نیکانتان و آزادگان و جوانمردانتان ... و شما مانند گروهی خوار و بی‌مقدار که از خردی رتبت لب نخواهد به هم خورد تا نامشان را به زشتی برد و هم می‌خواهد یادشان را از خاطر بسترده.»

ایشان آن‌گاه که از نادانی و سستی مخاطبانش به ستوه می‌آید، سرزنش تصعید یافته خود را در قالب نفرین نشان می‌دهد. در عبارات زیر تکرار ضمیر «کم» در عباراتی کوتاه که با نفرین همراه است، دلزدگی متکلم را از مخاطب به خوبی بازمی‌نمایاند:

«أَصَابَكُمْ حَاصِبٌ، وَلَا بَقِيَ مِنْكُمْ آبِرٌ» (همان، خطبه ۵۸: ۴۷)؛ «سنگ بلا بر سرتان بیارد؛ چنان‌که نشانی از شما باقی نگذارد.»

حضرت علی (ع) دنیاخواهی و زیاده‌طلبی را از آفت‌هایی می‌داند که مردم زمانه خویش را اسیر کرده است. از آن‌جا که دنیا، بستر دل‌بستگی‌ها و آرزومندی انسان است، امام علی مخاطبان خود را از آرزومندی برحذر می‌دارد. با این‌که در نهج‌البلاغه از ساخت‌های مخاطب مجهول بنا به جایگاه کلام بسیار استفاده شده است؛ ولی ایشان در عبارات زیر فعل‌های معلوم را با ضمایر متصل منصوبی و مجروری به کار می‌برد؛ زیرا فاعل این افعال «امل» و «امد» است و این عوامل از مخاطره‌انگیزترین موانع راه کمال انسانی هستند؛ برای همین تأثیرگذاری این عوامل باعث شده که در جملات معلوم از آنان نام ببرند:

«أَزْمَعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ، الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ، وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۵۲: ۴۴)؛ «پس بندگان خدا از خانه‌ای که سرنوشت مردم آن نیستی است، قصد رفتن کنید. مبدا مغلوب آرزو شوید و آهنگ مانند کنید.»

در بعضی مواضع حضرت علی (ع) فاصله بین خود و مخاطب را کاملاً رفع می‌کند و آن موضعی است که برای خود و دیگران دعا می‌کند. در این مواضع چون نفس دعا کردن مهم است، نشانه‌های زبانی مربوط به مخاطب به حداقل می‌رسد. در عبارات زیر تنها «ایاکم» اشاره به مخاطب دارد:

«نَسَأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَآيَاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ، وَلَا تُقْصِرُ بِهِ عَنْ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةٌ» (همان، خطبه ۶۵: ۵۰) «از خدای سبحان خواهیم که ما و شما را از کسانی بدارد که نعمت آنان را به راه سرکشی در نیارد و هیچ‌چیز از اطاعت پروردگارشان مشغول ندارد.»

۲-۵. خوداظهاری‌ها

۱-۲-۵- فعل

حضرت علی (ع) در خطبه‌های بسیاری از نهج‌البلاغه به معرفی خود می‌پردازد و از خوداظهاری استفاده می‌کند. قطعاً دلیل این کار برقراری ارتباط بیشتر با مخاطب و افزایش میزان باورپذیری سخنان خود برای مخاطبان است. ایشان دربارهٔ صفات سلبی و ثبوتی خود با استفاده از نشانگرهای زبانی سخن می‌گوید. حضرت علی (ع) در عبارات زیر فعل مضارع منفی «لا اکون» را که با قسم آن را مؤکد کرده است، برای برحذر بودن از فریب‌خوردگی خویش مطرح می‌کند:

«وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامُ عَلَيَّ طُولَ اللَّدْمِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَالِبُهَا، وَيَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۶: ۱۳)؛ «به خدا چون گفتار نباشم که با آهنگ به خوابش کنند و فرییش دهند و شکارش کنند».

از مواردی دیگر که ایشان با استفاده از افعال، صفت منفی لاغ‌گویی را از خود نفی می‌کند، عبارات زیر است. حضرت علی (ع) از عمروعاص دربارهٔ خود با شگفتی یاد می‌کند که به وی صفت لاغ‌گویی داده است. ایشان در این عبارات برای بیان شگفتی ضمن این‌که از لفظ «عجبا» استفاده می‌کند؛ بر خلاف مقتضای ظاهر کلام و با استفاده از شگرد التفات فعل «اعافس» و «امارس» را که باید به صورت «یعافس» و «یمارس» به کار رود، به صورت متکلم به کار برده تا تعجب خویش را از این سخن نشان دهد و توجه مخاطب را بیشتر جلب کند؛ افزون بر آن، ایشان با حرف تاکید «لقد» چنین سخنی را دربارهٔ خود کاملاً دور از حقیقت معرفی می‌کند.

«عَجَبًا لِابْنِ النَّبِغَةِ، يَزْعَمُ لِأَهْلِ الشَّامِ أَنَّ فِي دُعَابِهِ، وَأَنِّي أَمْرٌ تَلْعَابَةٌ، أَعَافِسُ وَأَمَارِسُ لَقَدْ قَالَ بَاطِلًا، وَنَطَقَ أَثْمًا» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۸۴: ۶۶)؛ «شگفتا از پسر نابغه شامیان را گفته است من مردی لاغ گویم. با لعب بسیار عبث‌کارم و کوشا در این کار. همانا آنچه گفته نادرست بوده و به گناه دهان گشوده».

ایشان در جمله زیر با استفاده از شگرد التفات از ساخت غایب «یکذب» به متکلم «اکذب» عدول کرده است تا از این رهگذر بر تأثیرگذاری سخن خود اضافه کند. «علمای بلاغت برای این نوع از التفات، علاوه بر فواید و اغراض عمومی مواردی از قبیل تخصیص، تعظیم، تهدید، اوج توجه گوینده به موضوع و احساس نزدیکی بیشتر و غیره ذکر نموده‌اند.» (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۵)

«وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنْكُمْ تَقُولُونَ عَلِيٌّ يَكْذِبُ قَاتِلَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَعَلَى مَنْ أَكْذَبُ؟ أَعَلَى اللَّهِ فَأَنَا أَوْلُ مَنْ آمَنَ» (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۷۱)؛ «شنیدم می‌گویید علی دروغ می‌گوید. خدایتان مرگ دهد! بر که دروغ می‌بندم؟ بر خدا؟ و من نخستین کسی هستم که بدو ایمان آوردم.»

عدالت‌محوری از مهم‌ترین اظهاراتی است که حضرت علی آن را انگیزه انجام دادن کارهای خود بیان کرده است. در جمله زیر ایشان با فعل‌های مضارعی که با «نون ثقیله» و «لام تاکید» مؤکد شده است، سیره استوار خود را در برپاداشتن حق و از بین بردن باطل مطرح می‌کند:

«وَأَيْمُ اللَّهِ لَانْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ، وَ لَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ، حَتَّى أُوْرِدَهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَ أَنْ كَانَ كَارِهًا» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۳۶: ۱۳۴)؛ «به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را از آن‌که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او تا به آب‌شخور حق کشانم.»

بخشی از سخنان و اظهارات امیر مؤمنان در ارتباط با سپاهیان‌شان نمود پیدا کرده است. سستی آن‌ها در کارزار باعث می‌شود که حضرت از مکنونات قلبی خود سخن بگوید. حضرت علی (ع) در جملات زیر با فعل ماضی متکلم عملکرد خویش را در برابر اهل کوفه بیان می‌کند. به کار بردن فعل ماضی در این قسمت بیان‌کننده این است که همه تلاش‌های ممکن در جهت هدایت آنان صورت گرفته است؛ اما تأثیری در جان خفته آنان نداشته است:

«قَدْ دَارَسْتُمْ الْكِتَابَ، وَ فَاتَحْتُمْ الْحِجَابَ، وَ عَرَفْتُمْ مَا أَنْكَرْتُمْ، وَ سَوَّعْتُمْ مَا مَجَّجْتُمْ، لَوْ كَانَ الْأَعْمَى يَلْحَظُ، أَوْ النَّائِمُ يَسْتَيْقِظُ» (همان، خطبه ۱۸۰: ۱۸۸)؛ «راه دانستن کتاب را به شما نمودم و در حجت را به روی شما گشودم. آنچه را نمی‌شناختید به شما شناساندم و دانشی را که به کامتان فرو نمی‌رفت، جرعه جرعه به شما نوشاندم. اگر بودی که کور می‌دید و خفته بیدار می‌گردیدی.»

۲-۲-۵-ضمایر

حضرت علی (ع) از پیوستگی خود با پیامبر و بهره‌مندی از علم ایشان بارها در نهج‌البلاغه سخن گفته است. ایشان از این موضوع در جهت برحق بودن خویش و اعتمادسازی مخاطبانش استفاده می‌کند تا در پذیرش دستورات ایشان به مرتبه اقتناع برسند. در جملات زیر حضرت از ضمیر «نا» به جای ضمیر «ی» استفاده کرده است تا ضمن آن‌که پیوستگی خود را در همه شئون با پیامبر نشان دهد، به وحدت و یگانگی نور ولایت در خاندان نبوت اشاره کند؛ بنابراین استفاده از ضمیر «نا» نیز خوداظهاری محسوب می‌شود؛ همچنین در هم‌تیندگی ضمیر «نا» و

«هم» در جمله‌های متضاد خبری، تقابل بین خاندان نبوت و دیگران را در بهره‌مندی از علم و هدایت به خوبی و مؤکد نشان می‌دهد:

«أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنا؟! كَذِبًا وَ بَغْيًا عَلَيْنَا، أَنْ رَفَعْنَا اللَّهُ وَ وَضَعَهُمْ، وَ أَعْطَانَا وَ حَرَمَهُمْ، وَ أَدْخَلْنَا وَ أَخْرَجَهُمْ. بِنَا يُسْتَعطَى الْهُدَى، وَ يُسْتَجَلَى الْعَمَى» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۴۴: ۱۴۰)؛ «کجایند کسانی که پنداشتند آنان- نه ما- دانیان علم - قرآن‌اند- به دروغ و ستمی که بر ما می‌رانند. خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته. به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته. ما را در-حوزه عنایت خود درآورد- و آنان را از آن برون کرد. راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند.»

۳-۵. یقین‌نماها

یقین‌نماها از فراگفتمان‌هایی هستند که بیشترین کاربرد آن در موضعی است که حضرت امیر مؤمنان (ع) به معرفی سیره زندگی خود می‌پردازد؛ زیرا آن‌گاه که مخاطبان در مقام انکار متکلم هستند، بلاغت کلام ایجاب می‌کند که سخن مؤکد بیان شود؛ از این رو آن‌گاه که حضرت علی (ع) در برابر خفتگان عصر خود قرار می‌گیرد، از ظرفیت تأکیدی زبان برای معرفی خود و عملکردهای خود بسیار استفاده می‌کند.

۱-۳-۵. نون تأکید ثقیله و لام تأکید، مفعول مطلق تأکیدی

از آن جا که حضرت علی (ع) اساسی‌ترین دلیل پذیرش حکومت را اجرای عدالت معرفی می‌کند، بیشترین تلاش و توجه خود را مصروف این امر می‌کند و این موضوع را در بیان‌های تأکیدی ایشان به خوبی می‌توان دریافت کرد. در جملات زیر حضرت علی (ع) برای بیان برپاداشتن عدالت از بالاترین ظرفیت تأکیدی زبان استفاده می‌کند و همه فعل‌های مضارع را با «نون ثقیله» و «لام تأکید» به همراه می‌آورد؛ افزون بر آن کلماتی چون «بلبله»، «غربله» و «سوط» مفعول‌هایی از جنس فعل هستند که بر جنبه تأکیدی این جملات می‌افزاید؛ البته به جز آن از «قسم» هم استفاده می‌کند که در قسمت بعد به این مورد پرداخته می‌شود:

«وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتَبْلُغَنَّ بَلْبَلَةً، وَ لَتَغْرِبَنَّ غَرْبَلَةً، وَ لَتَسَاطُنَّ سَوَطٌ الْقِدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ، وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلُكُمْ.» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶: ۱۷) «به خدایی که او را به راستی مبعوث فرمود به هم خواهید در آمیخت و چون دانه که در غربال بیزند یا دیگر افزار که

در دیگ ریزند روی هم خواهید ریخت تا آن‌که در زیر است زیر شود و آن‌که بر زیر است به زیر در شود.»

نمونه‌های بیشتر در خطبه‌های: (۱۰۴، ۹۶)، (۱۳۶، ص ۱۳۴)

۲-۳-۵. قسم

در جمله زیر حضرت علی (ع) برای بیان استوار بودنشان در راه حق و عدالت از یقین‌نمای قسم استفاده می‌کند. افزون بر آن برای تأکید بر روش سراسر عدالت خود از یقین‌نماهای دیگر نیز استفاده کرده‌اند. فعل «لافرطن» هم دارای «لام تأکید» است و هم این‌که با داشتن «نون ثقیله» مؤکد بودن کلام ایشان را شدت بخشیده است:

«وَ اَیْمُ اللّٰهِ لَافْرَطِنٌ لَّهُمْ حَوْضًا اَنَا مَاتِحُهُ، لَا یَصْدِرُونَ عَنْهُ، وَلَا یَعُودُونَ اِلَيْهِ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۰: ۱۴)؛ «به خدا سوگند، برای آنان آبگیری پرکنم که چون درآمدند، برون شدن نتوانند و چون برون شدند، خیال بازگشتن در سر نپروانند.»

نمونه‌های بیشتر در خطبه‌های: (۶، ص ۱۳)، (۵، ص ۱۳)

۳-۳-۵. انّ

انّ از حروف مشبّه بالفعل است که به عنوان یقین‌نما کارکرد دارد؛ البته حضرت علی (ع) برای تأکید کردن بر کلام خود غالباً بیش از یک نشانه تأکیدی را ذکر می‌کنند. در جمله زیر «قسم» و حرف «لام» نیز بر تأکید جمله افزوده است:

«قَوْلَ اللَّهِ اِنِّي لاولی النَّاسِ بِالنَّاسِ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۸: ۱۱۷)؛ «به خدا من از مردمان بر مردمان اولایم»

نمونه‌های بیشتر در خطبه‌های: (۸، ص ۱۴)، (۵۷، ص ۴۷)

۴-۳-۵. قد

«قد» از دیگر حروفی است که به کار رفتن آن قبل از فعل ماضی کارکردی یقین‌نما دارد؛ البته مانند جملات سابق «قسم»، «حرف مشبّه بالفعل» و «لام تأکید» نیز عناصر تأکیدی است که قطعیت مفهوم جمله را شدت بخشیده است:

«إِنَّمِ اللَّهُ إِنِّي لِأَظُنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمَسَ الْوَعْيُ، وَاسْتَحَرَّ الْمَوْتُ، قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجَ الرَّأْسِ»؛ (همان، خطبه ۳۴: ۳۵)؛ «به خدا می‌بینم اگر آسیای رزم به گردش درآید و ازدهای مرگ دهان گشاید، پسر ابوطالب را بگذارید و هر یک به سویی رو آرید.»
نمونه‌های بیشتر در خطبه‌های: (۶۶، ص ۵۱)، (خطبه ۶۸، ص ۵۲)

۴-۵. نگرش‌نماها

اگرچه سراسر نهج‌البلاغه سرشار از بینش و نگرش حضرت علی (ع) درباره مسایل مختلف است؛ اما در این پژوهش بر اساس نشانه‌های زبانی آشکار به بررسی این مبحث پرداخته شده است. حضرت امیر مؤمنان با استفاده از ظرفیت‌های گوناگون زبان عربی نظر خود را درباره موضوعات مختلف بیان کرده است. نقش عاطفی زبان در این مواضع نمود بیشتری دارد؛ چه این‌که این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد. (ن.ک: رفیعی و مراد صحرايي، ۱۳۹۲: ۲۳). در این نوع فراگفتمان احساس غم و اندوه و شگفتی ایشان از امور مختلف نشان داده شده است. این نگرش‌نماها غالباً بار منفی دارند.

۱-۴-۵. اسلوب تعجب

در زبان عربی برای نشان دادن تعجب که یکی از نگرش‌نماها است. شیوه‌های گوناگونی وجود دارد. در نهج‌البلاغه از اسلوب‌های تعجب بر وزن «ما افعَل» و ساختار ندایی «یا له من» برای نشان دادن تعجب استفاده شده است. وحشت قبر از مسائلی است که حضرت با اسلوب تعجب آن را بیان می‌کند تا توجه مخاطب را به موضوع جلب کند:

«فِيَالَهُ مِنْ بَيْتٍ وَحُدَّةٍ، وَ مَنَزَلٍ وَحَشَّةٍ، وَ مُفْرَدٍ غُرْبَةٍ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۷: ۱۵۸)؛

«وه که چه خانه تنهایی و چه منزل وحشت‌زایی و چه غریب از همگان جدایی»

نعمت وجود پیامبر نیز از نعمت‌هایی است که حضرت از آن با شگفتی یاد می‌کند:

«فَمَا أَعْظَمَ مِنْهُ اللَّهُ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلْفًا نَتَّبِعُهُ، وَ قَانِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ» (همان، خطبه ۱۶۰:

۱۶۳) «پس چه بزرگ است منتی که خدا بر ما نهاده و چنین نعمتی به ما داده پیشروی که باید

او را پیروی کنیم و پیشوایی که پا بر جای پای او نهیم.»

۲-۴-۵. فعل

در جمله زیر فعل «انظر» خود بر نوع نگرش حضرت علی (ع) دلالت دارد و همراه شدن آن با کلمه «کأن» این موضوع را شدت می‌بخشد. در جملاتی که حضرت با استفاده از فعل به بیان نگرش خود می‌پردازد گاه از اتفاقات آینده پرده برمی‌دارد. در جمله زیر هم حضرت با عبارت «کأنی اراهم» از حادثه حمله مغول در قرن‌ها بعد خبر می‌دهد که این خود حاکی از علم گوینده درباره اتفاقات آینده است:

«كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَانَ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ الْمَطْرَقَةُ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۸: ۱۲۷)؛

«گویی آنان را می‌بینم که چهره‌هاشان چون سپرهای تو بر توست.»

در عبارات زیر حضرت با به کاربردن فعل «بئس» به همراه لام تأکید، جنگیدن اهل کوفه را، بسیار بد ارزیابی می‌کنند:

«لَبِئْسَ حَشَّاشٌ نَارِ الْحَرْبِ انْتُمْ» (همان، خطبه ۱۲۶: ۱۲۴)؛ «شما کجا آتش کارزار را توانید.»

۳-۴-۵. اسم تفضیل

اسم تفضیل از جمله نگرش‌نماهایی است که در تعریف مفاهیم و بازنمایی حدود آن کاربرد دارد. در جملات زیر حضرت با ذکر اسم تفضیل‌های متعدد از معامله سوداگرانه برخی از افراد با قرآن سخن می‌گوید. در این عبارات ذکر اسم تفضیل‌های متضاد در ارتباطی دوسویه بین قرآن و معامله‌گران به خوبی از انحراف آنان و مهجور بودن قرآن در بین این افراد خبر می‌دهد:

«لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبْوَرُّ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَلَا سَلْعَةٌ أَنْفَقُ بَيْعًا وَلَا اِغْلَى تَمَنًّا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَلَا عِنْدَهُمْ أَنْكُرٌ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفٌ مِنَ الْمُنْكَرِ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷: ۱۹)؛ «کالایی خوارتر نزد آنان از کتاب خدا نیست اگر آن را چنان که بایست خوانند و پرسودتر و گرانبهاتر از آن نباشد اگر آن را از معنی خویش برگردانند و نه نزد آنان چیزی از معروف است ناشناخته‌تر و شناخته‌تر از منکر.»

نمونه‌های بیشتر در خطبه‌های: (۸۶، ص ۶۸)، (۸۷، ص ۶۹).

۴-۴-۵. جار و مجرور

از مواضعی که حضرت علی (ع) از مخاطبان خود متعجب می‌شود، این است که به ساحت شجاعت و دلآوری او خدشه وارد می‌کنند. در عبارات زیر حضرت علی با استفاده از جار و

مجرور نگرش خود را از این مسأله بیان می‌کند؛ زیرا شجاعت و دلاوری حضرت علی مسأله‌ای بود که بارها بر آن تأکید کرده بود:

«مَنْ الْعَجَبُ بَعْثُهُمُ إِلَيَّ أَنْ أُبْرَزَ لِلطَّعَانِ، وَأَنْ أَصْبِرَ لِلْجَلَادِ! هَبَلْتَهُمُ الْهَبُولُ، لَقَدْ كُنْتُ وَمَا أُهْدَدُ بِالْحَرْبِ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۲: ۲۲)؛ «شگفتنا از من می‌خواهند به میدان کارزار آیم و در نبرد پایداری نمایم. مادر بر آنان بگرید تاکنون کسی مرا از جنگ نهراسانده و از شمشیر نترسانده.»

نمونه‌های بیشتر را می‌توان در خطبه‌های (۱۵۶، ص ۱۵۷).

۵-۴-۵. کنایات

کنایات از اسمایی است که بر عدد و سخنی مبهم دلالت می‌کند. «کم» از کنایات و از نشانگرهای نگرش‌نماست که در عبارت زیر با استفاده از آن خطر اعتماد به دنیا و وقایع آن به مخاطب گوشزد می‌شود:

«كَمْ مِنْ وَاثِقٍ بِهَا قَدْ فَجَعْتَهُ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۰۳: ۹۳)؛ «بسا کسی که بدان اعتماد کرد و ناگهان مزه تلخ مصیبت را بدو چشاند.» در جمله زیر این نگرش‌نما برای بیان بلاهای متعددی که بر کوفه نازل می‌شود، به کار رفته است؛ به عبارتی دیگر حضرت امیر (ع) با بیان چنین کلامی از وقایع آینده به دلیل کردارهای مخاطبان و ابنای روزگار پرده برمی‌دارد:

«كَمْ يَخْرِقُ الْكُوفَةَ مِنْ قَاصِفٍ، وَ يَمُرُّ عَلَيْهَا مِنْ عَاصِفٍ!» (همان، خطبه ۱۰۳: ۹۳)؛ «آن هنگام چه تندر بلا که کوفه را ویران سازد و چه تندبادها که بر آن بگذرد.»

۶-۴-۵. اسم

عملکرد ناشایسته افراد باعث شده بود که حضرت علی (ع) بارها به حال آنان تأسف بخورد و آنان را سرزنش کند. در فرهنگ لغات «ویل» کلمه تقبیح و افسوس است و به منظور فریاد از مصیبت به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۲۶۸) حضرت امیر مؤمنان (ع) چندین بار این کلمه را در تقبیح مخاطبان و کم خردان به کار برده است:

«وَيَلْمُهُ كَيْلًا بَغِيرَ تَمَنِّ لَوْ كَانَ لَهُ وَعَاءٌ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۷۰: ۵۴)؛ «وای بر شما که پیمانۀ علم را بر شما به رایگان پیمودم»

«فَالْوَيْلُ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمُقَدَّرَ، وَجَحَدَ الْمُدَبَّرَ» (همان، خطبه ۱۸۵: ۱۹۸). «پس وای بر آن‌که تقدیرکننده را نپذیرید و تدبیرکننده را ناآشنا گیرد»

۷-۴-۵. اسم فعل

اسم فعل از دیگر فراگفتمان‌های نگرش‌نماست که به دلیل کارکرد فعلی آن در انتقال عواطف گوینده به مخاطب بسیار مؤثر است. در عبارت زیر حضرت علی (ع) با بیان کلمه «اف» نشان می‌دهد که رفتارهای مخاطبانش بسیار ناخوشایند است و این‌گونه بیزاری خویش را از عملکرد آنان نشان می‌دهد:

«أَفِّ لَكُمْ، لَقَدْ لَقِيتُ مِنْكُمْ بَرْحًا» (خطبه ۱۲۵: ۱۲۴) «تفو بر شما! که از بس آزارتان سینه‌ام سوخت»

«أَفِّ لَكُمْ، لَقَدْ سَمِعْتُ عِتَابَكُمْ.» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۶: ۱۲۴) «نفرین بر شما که از سرزشتان به ستوه آمده‌ام»

۵-۵. تردیدنماها

نکته بسیار قابل تأمل در خطبه‌های نهج البلاغه آن است که فقط در یک مورد است که در کلام حضرت علی (ع) تردید نمود دارد و آن زمانی است که درباره مدت عبادت شیطان صحبت می‌کند. برای ایشان مشخص نیست که سال‌های عبادت شیطان بر چه اساسی است. مفهوم سال در معنای متعارف آن یا آنچه که در نزد خداوند مطرح است.

«وَ كَانَ قَدْ عَبْدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ - لَا يُدْرِي أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ سِنِي الْآخِرَةِ - عَنْ كَبْرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۲: ۲۱۱)؛ «او شش هزار سال با پرستش خدا زیست. از سالیان دنیا یا آخرت - دانسته نیست - اما با ساعتی که تکبیر کرد خدایش از بهشت بیرون آورد.»

جز در مورد بالا جملاتی که دارای نشانگرهای تردیدنماست، همیشه با نشانگرهایی که بر یقین دلالت می‌کند، منتفی می‌شود؛ مثلاً در جملات زیر حرف شرط «ان» که به گونه‌ای متضمن تردید و عدم قطعیت است با حرف «لم» که معنی فعل مضارع را به ماضی تبدیل می‌کند، درصد قطعیت جمله را به نهایت آن می‌رساند:

«إِنْ جِدُّوْا لِمَ يَفْرَحُوْا، وَ إِنْ قُحِحْتُمْ لِمَ يَقْنَطُوْا» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۱: ۱۰۹)؛ «اگر باران بر آنان بیارد، شادمان نگردند و اگر خشک‌سالی بود، نومید نباشند.»

همچنین در جمله زیر کلمه «لو» که کارکردی تردیدنا دارد، با قطعیت فعلی ماضی که خود بر قطعیت عملی انجام شده دلالت می‌کند، نفی می‌شود. همچنین حضرت با حرف تاکید «ل» بر حتمی بودن آن‌چه بیان می‌کند، می‌افزاید:

«وَلَوْ تَعْلَمُوْنَ مَا أَعْلَمُ مِمَّا طَوَى عَنْكُمْ غَيْبَهُ، إِذَا لَخَرَجْتُمْ إِلَى الصُّعْدَاتِ تَبْكُوْنَ عَلَى أَعْمَالِكُمْ» (خطبه ۱۱۶)؛ «اگر آن‌چه من می‌دانم - و غیب آن بر شما پوشیده است، می‌دانستید به بیابان‌ها بیرون می‌شدید و بر کرده‌های خویش می‌گریستید.» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۶: ۱۱۶)

بر این اساس تردید به معنی واقعی فقط در جمله نخست نمود دارد و این با علم گوینده ارتباطی مستقیم دارد؛ زیرا حضرت علی (ع) خود را میراث‌دار علم پیامبر معرفی می‌کند؛ بنابراین شک و تردید هرگز به ساحت بینش ایشان راه نمی‌یابد. در عبارتی چنین بیان می‌فرماید:

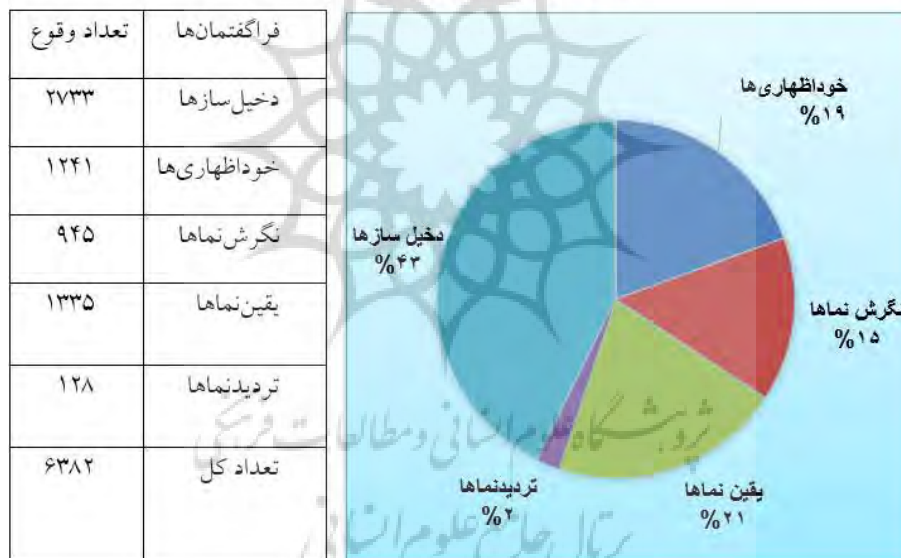
« وَ مَا أَبْقَى شَيْئًا يَمُرُّ عَلَى رَأْسِي إِلَّا أَفْرَعَهُ فِي أُذُنِيَّ، وَ أَفْضَى بِهِ إِلَيَّ » (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۵: ۱۸۱) «از پایان کار خبر داده است و چیزی که در خاطر من می‌گذشت، باقی نگذاشت، جز آن‌که آن را به گوشم فراخواند و سخنان را با من راند.»

۶- تحلیل کمی داده‌ها

جدول زیر فراوانی فراگفتمان‌ها را نشان می‌دهد. دخیل‌سازها با ۲۷۳۳ مورد بیشترین تعداد را داشته است که نشان از تعامل حضرت علی (ع) با مخاطبان و درگیر کردن آن‌ها دارد. پس از آن یقین‌نماها با ۱۳۳۵ مورد یافت شد که میزان قطعیت حضرت را در تعاملات بازنمود می‌کند. خوداظهاری‌ها با ۱۲۴۱ مورد پس از آن قرار دارد که حضرت یا از خود یاد کرده است یا از ضمیر «نا» برای همراهی با پیغمبر استفاده کرده است. نگرش‌نماها با ۹۴۵ مورد در جایگاه بعدی قرار دارند که نگرش‌هایی مانند تعجب، اسم فعل، کنایه... را نشان می‌دهند. کمترین میزان هم متعلق به تردیدنماهاست که در تحلیل داده‌ها بحث شد که در واقع تردید نمای واقعی یک مورد بوده و بقیه موارد را به دلیل وجود یقین‌نماها پس از آن و در بافت گفتمان نمی‌توان تردیدنا محسوب کرد؛ بنابراین در پاسخ به پرسش دوم تحقیق در مورد بیشترین میزان استفاده از فراگفتمان‌های تعاملی در نهج‌البلاغه باید گفت به دلیل اهمیت دادن حضرت

علی (ع) به شرکت دادن مخاطبان در بحث متعلق به دخیل‌سازها است. در نهایت بر اساس کاربرد فراگفتمان‌ها در خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌توان دریافت که انواع فراگفتمان‌ها در غالب خطبه‌های نهج‌البلاغه وجود دارد؛ اما قدر مسلم آن است که در خطبه‌های توحیدی و خطبه‌هایی که حضرت علی (ع) به معرفی افراد یا تحلیل مسایل اجتماعی می‌پردازد، بیشترین فراگفتمان‌ها مربوط به نگرش‌نماهاست و در خطبه‌هایی که به معرفی خاندان رسالت و معرفی خود می‌پردازد، خوداظهاری‌ها بسیار به کار رفته است. در خطبه‌هایی که درباره رعایت تقوای الهی و جهاد است، بیشترین فراگفتمان‌ها مربوط به دخیل‌سازهاست و یقین‌نماها به دلیل آن‌که حکایت از بینش ژرف متکلم دارد، در همه خطبه‌ها به وفور یافت می‌شود.

جدول و نمودار فراوانی فراگفتمان‌ها



۷- بحث و نتیجه‌گیری

فراگفتمان‌ها از امکانات زبانی است که رابطه گوینده یا نویسنده را با متن و مخاطب تعیین می‌کند. فراگفتمان‌ها تعاریفی گوناگون دارد. از مهم‌ترین آن‌ها فراگفتمان‌های تعاملی‌ها هستند است که بر پنج نوع است: دخیل‌سازها، خوداظهاری‌ها، نگرش‌نماها، یقین‌نماها و تردیدنماها. با بررسی متون از این منظر می‌توان اطلاعات دقیقی درباره‌ی هویت گوینده و مخاطب و بینش و

درک گوینده به دست آورد. مطالعه فراگفتمان‌های نهج البلاغه نشان می‌دهد که دخیل‌سازها ۴۳٪ فراگفتمان‌ها را تشکیل می‌دهند که بیشترین میزان کمیت را در بین فراگفتمان‌های تعاملی به خود اختصاص داده است. دخیل‌سازها برای مخاطبان متعددی به کار رفته است؛ همچون خداوند، مکان، افراد خاص و عموم مردم؛ البته عموم مردم در بین این مخاطبان بیشترین سهم را دارد و این امر نشان‌دهنده آن است که هدف امیرمؤمنان آن بوده که مردم را در پذیرش آنچه می‌فرماید، هشیار و قانع کند؛ بنابراین از همه نشانگرهای زبانی مخاطب همانند ضمائر مخاطب و افعال مجهول و معلوم استفاده می‌کند تا آنان را هشدار دهد و از خطرات برحذر دارد و نیز آنان را تشویق کند تا در مسیر هدایت و رشد قرار گیرند. دومین مورد استفاده حداکثری متعلق به یقین‌نماها است که نشان‌دهنده میزان قطعیت مباحث مطرح شده است و همخوان با میزان حداکثری تردیدنماها است. از آن‌جا که امیر مؤمنان از یک سو با سستی پیروان خود مواجه بود و از سوی دیگر هدف نیرنگ شامیان بود، از کلمات تأکیدی بسیار برای بیان استواری راه خویش و نزاهت و پاک‌دامنی خود استفاده کرده‌اند. در عوض هنگامی که با مخاطبان خود سخن می‌گوید با این‌که از شیوه‌های گوناگون سخنوری استفاده می‌کند؛ اما کلمات تأکیدی را درباره آنان کمتر به کار می‌برد. این از آن روست که هدایت و ارشاد با جبر و اصرار سازگار نیست. خوداظهاری‌ها نیز ۱۹٪ کل فراگفتمان‌های تعاملی را در بر گرفته است. در این نوع فراگفتمان حضرت علی (ع) به نفی صفات منفی از خویش و اثبات امتیازات اخلاقی و رفتاری خود می‌پردازد؛ چرا که مخاطبان وی در برابر ایشان مطیع نبودند و این خوداظهاری‌ها برای آن بوده که مخاطبان منکر خود را تا آن‌جا که امکان دارد به مقام و شأن خویش آگاه کند. نگرش‌نماها نیز ۱۵٪ از کل فراگفتمان‌های تعاملی را به خود اختصاص داده است که با استفاده از اسلوب تعجب، افعال و اسم تفضیل و... نشان داده شده‌اند. این کلمات غالباً بار معنایی منفی دارد و نشان از آن دارد که جامعه و مردم زمانه ایشان از هنجارهای جامعه اسلامی بسیار فاصله گرفته بودند. تردیدنماها کمترین میزان فراوانی فراگفتمان‌هاست؛ زیرا حضرت علی (ع) علم الهی خود را به میراث از پیامبر دریافت کرده بود؛ بنابراین هیچ نکته‌ای بر او نامکشوف نبوده است.

کتابنامه

- ۱- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. ج ۱. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

- ۲- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و علی نژاد، بتول. (۱۳۹۱). «بلاغت مقابله‌ای و بررسی فراگفتمان در انشاهای توصیفی فارسی زبانان و فارسی آموزان عرب». *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان*. س. ۱. ش. ۱. ۷۹-۱۰۰.
- ۳- ثعالبی، ابومنصور. (۱۴۰۳ق). *تیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*. بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۴- خانی، رضا و چنگیزی، مهسا. (۱۳۹۵). «مقایسه نشانگرهای فراگفتمان در مجلات بین المللی و داخلی مطالعه موردی مقالات حوزه زبان‌شناسی کاربردی». *زبان پژوهی*، س. ۸، ش. ۱۸، صص ۸۵-۱۰۶.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ج ۱۵ تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- رفیعی، عادل؛ رضا مرادصحرايي. (۱۳۹۲). *زبان فارسی زبان علم*. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- ۷- سیدرضی. (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- صفوی، کوروش. (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. ج. ۱. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۹- طارمی، طاهره و دیگران. (۱۳۹۷). «جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان: مطالعه‌ی پیکره‌ی بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی براساس انگاره‌ی هایلند»، *نشریه پژوهش‌های زبان شناسی*، س. ۱۰، ش. ۱. صص ۲۳-۴۲.
- ۱۰- طاهری، علی. (۱۳۹۶). «آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی کلام در خطبه‌های نهج‌البلاغه با بهره‌گیری از صنعت التفات»، *فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲-۲۳.
- ۱۱- طیبیان، سید حمید. (۱۳۸۴). «سخن آوردن بر خلاف مقتضای ظاهر»، *فرهنگ*، شماره ۵۵، صص ۲۱۹-۲۳۷.
- ۱۲- عرب زوزنی، محمدعلی؛ پهلوان نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). «ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج‌البلاغه بر اساس فرانش متنی نظریه نظام مند نقشگرا»، *فصلنامه پژوهش‌نامه‌ی نهج‌البلاغه*. س. ۲، ش. ۶. صص ۱۷-۳۷.

- ۱۳- عرب زوزنی، محمدعلی؛ پهلوان نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی ساختارگرایی در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه بر اساس فرانقش تجربی نظریه نقش‌گرا»، *فصلنامه پژوهشنامه‌ی نهج‌البلاغه*، س ۳، ش ۹. صص ۱-۲۵.
- ۱۴- قلی فامیان، علیرضا؛ کارگر، مریم. (۱۳۹۲). «تحلیل مقالات نقد کتاب زبان‌شناسی براساس الگوی هایلند». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. سال ۵. شماره ۲. ۳۷-۵۲.
- ۱۵- مطلوب، احمد. (۲۰۰۰). *معجم‌المصطلحات‌البلاغیة و تطورها*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ۱۶- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *یادداشت‌های استاد مطهری*. ج ۷. تهران: صدرا.
- ۱۷- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *آشنایی با قرآن*. ۲. تهران: صدرا.
- ۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). *حکمت‌ها و اندرزها*. تهران: صدرا.
- ۱۹- نمازی شهرودی، علی (بی‌تا). *مستدرک سفینه البحار*. ج ۱. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۲۰- Coates, J. (1987). "Epistemic modality and spoken discourse", *Transactions of the Philological Society*, 85, pp 100-131.
- ۲۱- Crismore, A., Markkanen, R. & Steffensen, M. (1993), "Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish university students", *Written Communication*, 10 (1)pp: 39-71.
- ۲۲- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity Press.
- ۲۳- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse: Text Analysis for Social Research*, London: Routledge.
- ۲۴- Geisler, C. (1994). *Academic Literacy and the Nature of Expertise: Reading, Writing and Knowing in Academic Philosophy*, New Jersey: Lawrence Erlbrum Associates.
- ۲۵- N. Oghbatalab- Ghafoori, R. (2012). "A comparative study of metadiscourse in academic writing: Male vs. Female Authors of Research Articles in Applied Linguistics", *The Journal of Applied Linguistics*, Vol. 5, Issue 1: 87- 1۱۳.
- ۲۶- Hyland, K. (2005). *Metadiscourse*. London: Continuum.
- ۲۷- Hyland, K. & Tse, P. (2004). Metadiscourse in academic writing, *a reappraisal Applied Linguistics* 25(2),pp156-77.
- ۲۸- Karbalaee, A. & R. Davaei. (2013). "Interpersonal Metadiscourse in Compositions written by Iranian ESP Students", *European Journal of Natural and Social Sciences* 2 (2), 291- 300.
- ۲۹- Luukka, M. (1994). "Metadiscourse in Academic Texts. In B-L. Gunnarsson, P. Linell & B. Nordberg (eds.), *Text and Talk in Professional Contexts*", *Selected papers from the International*
- ۳۰- Mauranen, A. (2001). "Reflexive Academic Talk: Observations from MICASE. In R. Simpson, & J. Swales (eds.). *Corpus Linguistics in North*

- America”, *Selections from the 1999 Symposium*, pp. 165-178. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- ۳۱- Stubbs, M. (1986). “A matter of prolonged fieldwork”, *Notes towards a modal grammar of English. Applied Linguistics*, 7(1), pp1-25.
- ۳۲- Vande Kopple, W. J. (1985). “Some Exploratory Discourse on Metadiscourse”, *College Composition and Communication* 26,pp 82-93.

Journal of Linguistics & Khorasan Dialects Biannual, No.4 /Serial Number.23(2021) 59

The investigation of interational metadiscourse in the sermons of Nahjolbalaghe

Zahra hosseini[^]

(Assistant professor of persian language and literature, jahrom university, jahrom)

Raha zareifard[^]

(Assistant professor of linguistics, jahrom univervdity, jahrom)

Received:08/12/2020

Accepted: 24/04/2021

Abstract

The use of metadiscourse is very important in investigating texts and discourses. Metadiscourse is a kind of discourse which reveals the relationships between the writer (speaker) with the text (discourse) and also the audience. There are many kinds of metadiscourse; the interational metadiscourse is one vital kind. This research aims at investigating interational metadiscourse in Nahjolbalaghe based on Hyland (2005). First the text analysed carefully and all kinds of interational metadiscourse categorized based on forms and functions. Then these categories analyzed quantitatively. The results of this research reveal that Imam Ali used all kinds of interational metadiscourse skillfully. He used engagement markers for connecting to the audience manipulating different functions such as warning, blaming and encouraging. Self- mentions have been used to deny his negative traits and prove his transcendent qualities. Hedges have been used rarely. He has applied boosters for emphasizing his stability. Attitude markers with almost negative connotations have also manipulated to represent the attitude of Imam Ali towards his audience.

[^]z.hosseini@jahromu.ac.ir

[^]rahazareifard@yahoo.com

Key terms: Nahjolbalaghe, interactional metadiscourse, engagement markers, Boosters, attitude markers, self-mentions, hedges.

